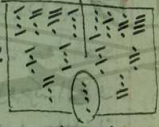


قصد مقام خواهد بود نه مقام و تن در آن مقام میانه خواهد بود
 از طرف دوستانه و مردم حوالی اینجا احکام خانه دوم اگر کسی سوال
 کند که فلاح کس به بیشتی من می آید یا فلاح مال بدست من می آید
 یا ما از یاران فائزه خواهد داد منسوبات خانه دوم سوال کند
 این احکام را بر مبل که مرویت از این مال که بجهت قوم خود کشید
 و حکم کرده بجهت دستور می آورد در عمل اینست

اشتر طریق که نقطه صبر است را بدیم در
 این رمل بسینزده آمد و از سنزدهم بهم وان
 نهم بدوم بقطه بیوست که اشتر پنج
 اشتر ششم را طالب است اشتر فرج



است و مایل
 است و درین رمل ظاهر نیست وان بفرز بشکل خانه اشتر بیوه
 می آید و باز بحسب حرکت مرض که نشی با اشتر عتبه الحادیه شده بود
 طالب اشتر عقل بود پس عقل یکبار بحسب حرکت نقطه مینانی و یکبار
 بحسب حرکت عرض نمی گفتم صبر و اشتر ششمی است که بنیان بسوی تو آید یا
 مالی که بنهاله طالب الخی باد و هستی که بنهاله دوستی داری یاد و ای
 که در خاطر داری گفت از مجموع بسؤال دارم بعد از آن نقطه حکم
 که باد طریق است را بدیم چهارم بعته الحادیه بیوست و بحسب سیو
 عرض در پنجم بعته الحادیه رسید و استاد در حرکت اول بخانه از ایل
 افتاد باد فیض الداخل را در مرکز خود در سکن شکل خود یافت و نظر

ای به بالا رفت و در اینجا و توالی بود داشت و آن تمام قوتست کوم مرتبه
 تو بالا می رود بر روی عوان و اهل علم و بتو د خود بشوی اشرف
 و ابتدای تو در نهایت بست و تن و جان تو سلامت است و خواهی
 بیگو خواهی بایست میل طبیعت بتو شیرها است و جوی تیز و تند و
 از آنکه گفتیم بجهت اینست که انگیس خاک عقل که مطلوب اوست در
 غایت بلندی یافت نیست که کسیف لطیف شود و باز حرکت طول
 عقل که خاک فیض الراضیست در ششم خانه زانیست و نیست که از
 پیش ترا از تو باخساره افتاده و آن بوده و غنم تکار نقصان
 شده و مرض صفر و سود اداری و در بهار یا خزان اندکی شو
 نیش از مرض بکشی یا ازین پیشتر کشیدی و اگر انگیس مطلوب
 خود را که خاک عقل است در چهارم بیدم دلیل قوتست و اگر در
 هشتم بیدم دلیل اینست که بجهت مرتبه و ابتدای کار خود آید
 باشد و اگر انگیس مطلوب خود را در خانه سیوم بیند احوال همیان
 بود و در خانه باد احوال بدو و پریشان باشد و بجهت مال
 و معاش عوان و معامله و کنت و کوی بسیار کشد و نقصان مال
 شود و الله اعلم بحقیقت الاحوال و بحسب مطلوب ماضی چون
 خاک مرایق در خانه زانیست کوم ترا ازین پیش خوف بجهت مال
 بود و آرزو ستاه و قودم تشویش کشیدی و در مستقبل نین
 بجهت دوستانه و محبوبانه دل تنگ نشدی و خواهی بود از فیض تو

ف قصد